

چکیده مطالب جلسه 45 درس خارج اصول آیت‌الله اراکی؟ دب؟

سال تحصیلی 99_98

دو نوع کاربرد در «بل» اضراب وجود دارد:

اضراب از نفی به اثبات؛ مانند: «ما جاء زيد بل عمر» و آیه کریمه: **لَا تَحْسِبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ**^۱ در این نوع اضراب نوعی عدول از جمله اول به جمله دوم وجود دارد؛ لذا در چنین اضرابی مفهوم وجود ندارد، یعنی حکم جدایی از آنچه در منطوق آمده است در کلام وجود ندارد و مانند بل استدراکی است که گفتیم مفهوم ندارد.

اضراب از جمله مثبت به جمله مثبت دیگر؛ مانند آیه کریمه: **حَوْ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ**^۲ اضراب در اینجا به معنای نفی ماقبل «بل» و اثبات مابعد «بل» است و عدول نیست. و منطوق این آیه این است که آن کسانی که آنها ولد حساب می‌کنند، «عباد مکرمون» هستند. و مفهومش این است که: «لم يتخذ الله ولد» یعنی نفی «قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا» در آن نهفته است.

و یا مانند آیات کریمه: **حَوْ لَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ * بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ**^۳ منطوقش این است که خدا را عبادت کن؛ اما مفهومش این است که «لا تشرك».

و همچنین آیه کریمه: **حَوْ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ**^۴ منطوق آیه بسط ید خدای متعال است اما مفهوم آیه این است که «لیس ید الله مغلوله»

۱. سوره نور: ۱۱.

۲. سوره انبیاء: ۲۶.

۳. سوره زمر: ۶۵ و ۶۶.

۴. سوره مائده: ۶۴.

«بل اضرابی» به این معنا، هم افاده حصر می‌کند و این حصر مفهوم را نتیجه می‌دهد. اما «بل» استدرافی و «بل» اضرابی نوع اول دلالت بر مفهوم ندارند. نکته اینکه در این نوع دوم از «بل» اضرابی مفهوم وجود دارد و در آن دو قسم دیگر مفهوم وجود ندارد این است که در «بل» استدرافی و «بل» اضرابی نوع اول عدول از جمله اول به جمله دوم و در خصوص جمله قبل «بل» لا حکم است و به عبارتی حصر حکم در بعد «بل» از آن استفاده نمی‌شود؛ دلیل آن هم این است که بل نوع اول «اضراب اثباتی» است و «اخبار» اول را نفی می‌کند و اما در نوع دوم «نفی ثبوتی» است یعنی نفی نسبتی که در جمله قبل «بل» آمده است می‌باشد. لذا دو رکن افاده مفهوم در این نوع از «بل» وجود دارد و حصر کار علیت انحصاری را می‌کند و وقتی می‌گوید «بل عباد مکرمون» یعنی حصر می‌کند آن کسانی که آنها ولد می‌شمردند که اینجا «هُم» در تقدیر است، «هُم» را حصر می‌کند در «عباد مکرمون» که آنها ولد نیستند و فقط عباد مکرمون است که حصر اضافی است نسبت به ماقبل.

و رکن دوم هم وجود دارد و سنخ حکم نفی می‌شود چون کار این نوع بل اضرابی همین است که هم اثبات می‌کند ما بعد «بل» را و هم نفی می‌کند حکم ما قبل «بل» و برای صحیح شدن نفی ماقبل و معنای اضراب، باید سنخ الحکم نفی شود.

و به عبارت دیگر چون حصر وجود دارد در اثبات مابعد «بل»، نفی ما قبل «بل» باید نفی سنخ الحکم باشد تا حصر درست شود.

لذا «بل» در نوع دوم از اضراب، هم ادوات حصر است و هم افاده حصر می‌کند.

پایان